

دلدادۀ شهیداً همسر گرامی  
 شهید ابراهیم هادی خورشید پور نور عصر ماست که  
 شعاع نور الهی او از بس عیار آسمان دل ما حاملان را به نور خدا مورو  
 روس نموده است  
 اگر چه او یک شهید است مثل همه شهیدان لکن به لطف الهی خاطرات ریبا و حدابش چراغ  
 هدایت و اسوه عملی قابل تکرار جوانان عصر ما شد است  
 سانسازدن این خورشید هدایت حداقل و طبعه همه ماست که در شعاع نور الهی او قرار گرفته  
 و طعم رفافت او را حسید ایم  
 به سکرانه این لطف الهی با معرفی این دوست آسمانی به دیگران در ثواب  
 ستر سیره و سبک زندگی شهیداً شریک گردیم اجر کم عند الله

## سلام بر ابراهیم (۲)

ادامه رندگینامه و خاطرات شهید ابراهیم هادی



کاری از گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی

# فهرست

صفحه	نام داستان	صفحه	نام داستان
۱۳۲	پشت دشمن	۷	نظر رهبر انقلاب درباره کتاب
۱۳۷	نصرت	۸	حواس تهرانی
۱۴۱	سرسند یامهدی (عج)	۱۵	اسان الگو
۱۴۳	معجره	۱۷	به نام مادر
۱۴۷	روحیات	۲۱	سده حدا
۱۵۰	جماعت صبح	۲۳	والیبال
۱۵۲	یا فاطمه الرهرا <small>علیها السلام</small>	۲۶	دعوا
۱۵۴	یاد ناد آن روزگاران	۳۰	احوالات بزرگان
۱۵۹	امر به	۳۴	هادی به سوی سیدالشهداء <small>علیه السلام</small>
۱۶۳	داخل کانال	۳۶	حیاء
۱۶۸	رورهای عم	۳۹	سلی
۱۷۳	آب	۴۲	چلوکباب
۱۸۰	رور آخر	۴۴	ارشاد
۱۸۶	عند حالص حدا	۴۷	احلاق
۱۹۱	طربفه آشایی	۴۹	رفاقت
۱۹۳	ابراهیم هدایتگر	۵۲	جهالت و هدایت
۱۹۷	مهمانی برادر	۵۶	ناشگاه
۲۰۲	مهمان	۵۹	حق الناس
۲۰۷	رضا	۶۱	مرد حدا
۲۱۰	تا حدا	۶۵	راه حدا
۲۱۵	شفای فرزند	۶۷	برحورد نا مسکر
۲۱۸	تاح سدگی	۷۱	توئوتا
۲۲۵	حاطرات کوتاه، ار اسانی بزرگ	۷۳	در محصر علما
۲۲۵	پارهبه	۷۸	سیره عملی
۲۲۶	پیت حلی	۸۳	هیبت
۲۲۷	رحتحواب	۸۶	احترام به سادات
۲۲۷	کشتی	۸۹	دستمال سرحها
۲۲۸	هیئت	۹۲	ادان
۲۲۹	معلم	۹۵	آن چهار نفر
۲۳۰	میر کار	۹۹	ولایت
۲۳۰	عدا	۱۰۲	درد دین
۲۳۱	مهربان	۱۰۵	دیده نان
۲۳۲	الگو	۱۰۸	قدرت حادبه
۲۳۲	آبرو	۱۱۳	حهابشاه
۲۳۳	مرار	۱۱۶	شیاکوه
۲۳۴	ولایت فقیه	۱۲۱	فایح قله
۲۳۵	مدافعان حرم	۱۲۵	شخصیت الگو
		۱۲۹	الله اکبر

حدا خواسته است که او در یک محله‌ای در وسط تهران زندگی کند و یکی از حوان‌های شهر ما باشد که نا دیگران متفاوت است و این تفاوت به سادگی ملموس است

شهید هادی به عالم دیسی بود، به حرء فرماندهان یا سرداران دفاع مقدس (به معنای خاص کلمه) محسوب می‌شد، بلکه او یکی از میان مردم بود پدر بررگوار ایشان هم یک کاسب معمولی بود و کسب و کار نقالی داشته

شاید یکی از ویژگی‌هایی که او را ممتاز می‌کرد، این بود که ایشان یک وررشکار- به تمام معنای کلمه- بود. سلوکی که ابراهیم هادی در گود رورحانه داشته در این کتاب معلوم است که بعد هم در حهه‌ها حاضر شد

حماسه کانال کمیل در میان لحظات سراسر پررور دفاع مقدس، واقعاً برحسته است، اما در عین حال، کانال کمیل به شهید ابراهیم هادی افتحار می‌کند و این شهید برای کانال کمیل یک افتحار حاودانه است اگر مردم تهران بخواهند یک نموبه از حوب‌های حودشان را مثال نرند، حوب است که شهید ابراهیم هادی را مثال نرند و بگویند «بچه تهروبی، مثل شهید هادی» شاید بسیاری از حوبان تهران، رور قیامت پشت سر شهید ابراهیم هادی وارد بهشت شوند شما می‌دانید که آقای دولابی (ره) اهل تعارف و مالعه بودند، ایشان وقتی آقای ابراهیم هادی را که یک حوان بیست ساله بود، دیدند، صر کردند تا جمعیت برود

بعد به ابراهیم هادی فرمودند «آقا ابراهیم! یک کم ما را نصیحت کن!» و آقا ابراهیم نا شرمندگی سرش را پایین می‌اندازد که «حاح آقا! چه می‌فرمایید؟!» ولی به نظر بنده، آقای دولابی این سخن را نا اعتقاد گفته‌اند

به نظر شما حوان شاحص تهرانی در دهه ۶۰ حر ابراهیم هادی کیست؟! اگر کسی می‌خواهد یک نموبه‌ی نسل انقلاب را بنید، ناید به پانوس شهید ابراهیم



## جوان تهرانی

سخان استاد پناهیان در یادواره شهیدای کانال کمیل در رور حوان، حردامه ۱۳۹۴

شهید ابراهیم هادی در بین ۲۵۰ هزار شهیدی که در طول دفاع مقدس تقدیم کرده‌ایم، یک شهید برحسته است

به مردم و حوان‌هایی که این کتاب را بخواهند، توصیه می‌کنم که حتماً به مطالعه این کتاب بپردازند و مطمئن باشند که نگاه و رفتارشان، قبل از خواندن این کتاب، نا بعد از مطالعه آن متفاوت خواهد شد و حتی می‌تواند تاریخ زندگی حود را دو قسمت کند. یکی قبل از خواندن این کتاب و یکی بعد از خواندن این کتاب!

بنده مالعه نمی‌کنم مطمئن هستم هر کسی این کتاب را بخواهد و نا این شخصیت آشنا شود، صحت بنده را تأیید خواهد کرد

حصرت آیت الله العظمی بهت (ره) می‌فرمود مطالعه زندگی حوبان، به مرله‌ی کلاس احلاق است و شما نا مطالعه این کتاب، اثر معوی آن را در وجود حودتان لمس خواهید کرد

مقام شهدای ما، برد حداوند محفوظ است ما از آن مقامات حبر نداریم شاید شهدای ریادی در دفاع مقدس بنده‌اند که مقامشان نا لاتر از شهید ابراهیم هادی باشد و ما آن‌ها را نمی‌شناسیم ولی حدا خواسته است ما شخصیتی مثل ابراهیم هادی را شناسیم

هادی برود البته این بر اساس آگاهی‌هایی است که ما داریم به آسمان که نگاه می‌کند، بر حی از ستاره‌ها پر نورترند چون به ما نزدیک‌ترند البته ستاره‌هایی هم هستند که برگزیده‌اند اما از ما دورترند و ما نورشان را واضح نمی‌بینیم بالاخره آن ستاره‌هایی که به ما نزدیک‌ترند، راهمای ما هستند، مثل ستاره‌ی قطبی و ما راه خودمان را بر اساس ستاره‌ی قطبی تشخیص می‌دهیم از کنار شهید ابراهیم هادی عبور نکنید! من واقعاً مانده‌ام که چرا در تمام گودهای رورحانه در سراسر کشور، تدیس شهید ابراهیم هادی نصب نمی‌شود؟ البته مرقد مطهر شهدایی که اهل گود رورحانه بودند را متواضعانه می‌بوسم، ولی شهید ابراهیم هادی یک اعحونه‌ی دیگری است حالا برای چه باید تدیس او را برند؟ برای اینکه حتی نام او هم در یک محیط، اثرگذار است او در زمان حیات خودش یک شخصیت معوی برحسته بود و حالا که به شهادت رسیده است، شهادت، آنچه‌آن را آنچه‌آن را آنچه‌آن را می‌کند!

پدر ایشان در بین بچه‌هایش به ایشان محبت ویژه‌ای داشت و می‌گفت «این بچه یک حس و حال معوی دیگری دارد این فرزند من در آینده، نام مرا هم بلندآوازه خواهد کرد» و من می‌خواهم به آن پدر برگوار عرض کنم که معرفی شهید ابراهیم هادی، تازه شروع شده است

او یک ورزشکار جوانمرد بود و کسی که آن هیکل ورزشکاری و آن منش جوانمردی را داشته باشد، طبیعتاً مورد توجه دیگر جوانان قرار می‌گیرد یک‌بار که با آن هیکل ورزشکاری و ساک دستی به سمت رورحانه می‌رفت، رفقاییش به او می‌گویند «دو تا دختر محل، دنبال تو افتاده بودند و درباره‌ی تو حرف می‌زدند ماشاءالله خوب دلبری می‌کنی!»

می‌گویند از فردا دیگر ساک ورزشی بر نمی‌دارد! لباس‌های ورزشی خودش را داخل یک مشما (کیسه) می‌گذارد، و یک پیراهن گشاد می‌پوشد